

Analysis of Persian version of Muhammad ibn Abdul-razzaq-e-Donboli's Interpretation

Ali Mohammad Poshtdar

Associate professor of Persian language and literature, Faculty of Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran, am.poshtdar@gmail.com

Morteza Haji Mazdarani

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran, mhaji1343@yahoo.com

Narges Mohammadi Badr

Associate professor of Persian language and literature, Faculty of Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran, badr@pnu.ac.ir

Ali Basiri *

Ph.D Student of Persian language and literature, Faculty of Literature, Payame Noor University, Tehran, Iran, basiripourali@yahoo.com

Abstract

Written manuscripts, due to their importance and roles in the history, should be analyzed in terms of different aspects. The first step is to introduce and to edit these works. Muhammad ibn Abdul-razzaq-e-Donboli is among the literary scholars and commentators in the thirteenth century. He has several works and one of them is the interpretation of the Holy Quran in Persian. His written manuscripts are in different libraries across Iran but have not been introduced yet. The work belong to this interpreter show that he possessed a high scientific position. This study, by presenting documents about his life, aims at introducing his interpretation of a written manuscript from content, stylistics, and interpretive aspects. He wrote this interpretation with the aim of obviating the need for the readers to refer to other interpretations. The interpretation is written in a plain and clear scientific language, but at times the author focuses on verbal and spiritual figures of speech. The quantity of this work is an important aspect which consists of almost one-third of the entire of the Holy Quran. Another important aspect of the book is that it is written in Persian and its author is a Twelver Shia. A critical analysis of this work could shed light on different aspects of Persian literature and on a better understanding of the development of Persian interpretations, especially Shiites interpretations, of the Holy Quran.

Keywords: Muhammad ibn Abdul-razzaq-e-Donboli, Persian Interpretation of the Holy Quran, Editing, Written Manuscripts

* Corresponding author

فصل نامه متن شناسی ادب فارسی (علمی- پژوهشی)
معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و چهارم، دوره جدید، سال دهم
شماره دوم (پیاپی ۳۸)، تابستان ۱۳۹۷، صص ۱۷-۳۵

تحلیل و بررسی نسخه خطی تفسیر فارسی محمد بن عبدالرزاق دُنبلی

علی محمد پشت‌دار* - مرتضی حاجی مزدارانی** - نرگس محمدی بدر*** - علی بصیری پور****

چکیده

نسخه‌های خطی افزون‌بر اهمیت، نقش مهمی در تاریخ علم دارند؛ به همین سبب باید از جنبه‌های مختلفی بررسی و تحلیل شوند. گام نخست در این راه، معرفی و تصحیح این آثار برای استفاده همه مردم است. محمد بن عبدالرزاق دنبلی از ادیبان و علما و مفسران قرن سیزدهم هجری است. وی تألیفات متعددی دارد که یکی از آنها تفسیر قرآن کریم به زبان فارسی است. نسخه‌های خطی آثار او در کتابخانه‌های مختلف کشور موجود است؛ البته این آثار تاکنون معرفی نشده است. با توجه به منابعی که از این مفسر یاد کرده‌اند و هم‌چنین تحقیق در آثار موجود او، می‌توان دریافت که وی از مقام علمی و ادبی ویژه‌ای برخوردار بوده است. این مقاله بر آن است تا با ارائه اسناد موجود از زندگی و آثار این عالم، نسخه خطی کتاب تفسیر فارسی او را از نظر محتوایی و سبکی و روش تفسیر معرفی و بررسی کند. وی تفسیر خود را برای بی‌نیاز کردن خوانندگان از سایر منابع تفسیری به نگارش درآورد. این تفسیر روایی یا مأثور به زبان علمی ساده و روشن نوشته شده است؛ اما گاهی مؤلف به آرایه‌های لفظی و معنوی نیز توجه دارد. کمیت و مقدار این اثر از ویژگی‌های مهم این تفسیر است. این اثر کمابیش تفسیر یک‌سوم کل قرآن مجید را در بر گرفته است. نکته مهم آن است که این تفسیر در قرن سیزدهم هجری نوشته شده است؛ یعنی زمانی که دوره فترت تفسیرها به‌ویژه تفاسیر فارسی است. ویژگی مهم دیگر این اثر، زبان فارسی و مذهب مؤلف آن، شیعه دوازده امامی، است. تصحیح این اثر به شناخت جنبه‌های مختلف زبان و ادبیات فارسی در حوزه متون تفسیری کمک می‌کند؛ هم‌چنین به کامل شدن شناخت سیر تحول و دگرگونی تفسیرهای فارسی قرآن مجید به‌ویژه در حوزه تفسیرهای شیعی یاری می‌رساند.

واژه‌های کلیدی

محمد بن عبدالرزاق دنبلی؛ تفسیر فارسی قرآن کریم؛ تصحیح؛ نسخه‌های خطی

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، am.poshtdar@gmail.com

** استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، mhaji1343@yahoo.com

*** دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، badr@pnu.ac.ir

**** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات، دانشگاه پیام نور تهران، ایران، (نویسنده مسؤول) basiripourali@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۱۶

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۰۴/۰۳

Copyright © 2018, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they cannot change it in any way or use it commercially.

۱- مقدمه

نسخه‌های خطی، سرمایه و پشتوانه علمی و فرهنگی هر ملتی است. این آثار ارزشمند بیانگر تاریخ علم و ارزش‌های هنری در دوره‌های مختلف حیات یک کشور هستند. نسخه‌های خطی فارسی، بسیار است؛ باید از میان آنها آثاری که ارزش علمی و پژوهشی دارند، معرفی و تصحیح و منتشر شوند تا زمینه پژوهش در مطالعات متن‌شناسی و سبک‌شناسی و... ایجاد شود. گاهی این نسخه‌ها آثار مهمی هستند و اطلاعات مهمی را درباره میراث علمی و فرهنگی اسلام و ایران در بر گرفته‌اند؛ به گونه‌ای که می‌توانند نقش مهمی در تدوین تاریخ علم داشته باشند. یک بخش از این نسخه‌ها، تفسیرهای فارسی قرآن کریم است که علمای اسلامی در دوره‌های مختلف تألیف کرده‌اند؛ به ویژه علمای ایرانی شیعی که در حوزه تفاسیر قرآن کریم نقش بسیاری داشته‌اند. شناختن و شناساندن این تفاسیر از جنبه‌های مختلفی اهمیت دارد. این آثار می‌تواند میزان خدمات علمای شیعی ایرانی به اسلام و قرآن را آشکار کند. محمد بن عبدالرزاق دنبلی یکی از مفسران و علمای برجسته قرن سیزدهم هجری است که تألیفات متعددی دارد. نسخه خطی تفسیر فارسی او با ویژگی‌های بی‌مانندی مانند زبان فارسی اثر، شیعی بودن مؤلف، جامع بودن نسبی اثر (مشمول بر یک سوم کل قرآن کریم)، در بررسی‌های زبانی و ادبی در حوزه تفاسیر فارسی قرآن کریم و پژوهش‌های قرآنی در ادبیات فارسی قرن سیزدهم هجری اهمیتی ویژه دارد. این کتاب به نثر ساده و مرسل نوشته شده است و گاهی به آرایه‌های ادبی نیز آراسته می‌شود. این تفسیر، داستان‌های انبیا و احادیث و روایات فراوانی دارد که از پیامبر اسلام (ص) و ائمه هدی علیهم‌السلام نقل شده است. نویسنده در این اثر به منابع استفاده‌شده خود اشاره می‌کند که این نشانه امانت‌داری علمی اوست؛ هم‌چنین نشانگر آن است که مؤلف از اطلاعات کاملی برخوردار بوده است. شناخت و معرفی این آثار و آثار مشابه، برای گردآوری تاریخ علم در حوزه زبان فارسی و تفاسیر فارسی شیعی، هم‌چنین برای بررسی‌های ادبی و خدمات علمای شیعی به قرآن کریم لازم و ضروری است.

۱-۱ روش و پیشینه تحقیق

نسخه موجود تفسیر فارسی قرآن کریم تألیف محمد بن عبدالرزاق دنبلی نسخه‌ای یگانه است و چنان‌که از آن برمی‌آید و در این مقاله نشان داده می‌شود، به خط مؤلف نوشته شده است. با جستجو و تحقیق در منابع و کتابخانه‌های کشور و فهرست کتابخانه‌های خارج از کشور، نشانی از نسخه دوم این کتاب به دست نیامد؛ فقط در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس جلد سوم شماره ۹۱۵ تألیف ابن یوسف شیرازی، در معرفی اثر دیگر او به نام شرح‌المشاعر توضیحات اندکی ارائه شده است. نویسنده بدون اشاره به تفسیر فارسی قرآن کریم، تنها به احوال او و پدرش آن هم به‌طور جزئی اشاره می‌کند. جز آنچه بیان شد، تاکنون تحقیقی در این باره انجام نشده است.

۲- نام و نسب و خاندان محمد بن عبدالرزاق دنبلی

آشکارترین و بهترین جایی که نام و نسب محمد بن عبدالرزاق دنبلی^۱ در آن آمده است، همین تفسیر فارسی قرآن کریم است که به دست خود وی نسخه‌نویسی شده است. نویسنده در چند جای این کتاب، آشکارا نام، نام پدر، نام جد، نسب و زادگاه خود را بیان می‌کند. در آغاز کتاب پس از نام خدا و سلام بر حضرت ختمی مرتبت (ص) و حضرت امیرالمؤمنین و سایر ائمه هدی علیهم‌السلام می‌گوید: «... و بعد مرتب اوراق، محمد بن عبدالرزاق بن نجفقلی دنبلی التبریزی عفی الله عنه...» (دنبلی تبریزی، تفسیر قرآن کریم: ۱۱). در پایان کتاب نیز به همین صورت تکرار شده است: «...تمام شد این

جلد شریف و مجموعه لطیف به سعی مرتب اوراق محمد بن عبدالرزاق الدنبلی التبریزی ابن النجفلی...» (همان: ۸۶۰). اثر دیگر او شرح المشاعر است که شرحی به زبان عربی بر رساله مشاعر ملاصدرای شیرازی است. وی در آغاز و انجام این کتاب نیز به همین شکل خود را معرفی کرده است: «هذا الفقير الحقير، اقل الطلبة، خادم الطلاب، راوی اوراق، محمد بن عبدالرزاق بن نجفلی الدنبلی التبریزی...» (دنبلی تبریزی، شرح المشاعر: ص ۱ نسخه خطی). در پایان همین کتاب نیز آمده است: «قدتمت الرسالة الشريفة المسماة بشرح المشاعر... في يد جاني الفاني محمد بن عبدالرزاق بن نجفلی الدنبلی التبریزی» (همان: ۲۰۹).

با وجود بیان آشکار نویسنده برای نام و نسبش، توضیح بیشتری نیاز نیست؛ چنان‌که پیداست وی فرزند ادیب و مورخ و شاعر معروف قرن دوازدهم و اوایل قرن سیزدهم هجری، میرزا عبدالرزاق بیگ دنبلی و از طایفه کردهای دنبلی است. کتاب تذکره الدنابله تألیف محمدحسن بن عبدالکریم منشی اشتهاردی نیز از منابع مستند دیگری است که از او نام می‌برد. نویسنده این اثر از مورخان قرن سیزدهم و معاصر با حکومت محمدشاه قاجار است. او در سال ۱۲۵۸ هجری کتابی در انساب ایل دنبلی نوشت که در بردارنده ذکر انساب امرای دنبلی و حالات و اشعار و مقالات امیرمحمودخان متخلص به خاور است. در این کتاب در بیان فرزندان میرزا عبدالرزاق بیگ دنبلی آمده است: «دو پسر نیک‌سیر به مضمون «الشبل يخبر من الاسد» از منظر خوب و مخبر مرغوب از خصایل و مخایل پدر دهند از جنابش (میرزا عبدالرزاق بیگ) به یادگار است. یکی را نام حاجی محمدآقاست که در مبادی حال ترک قیل و قال و جاه و مال کرده به اسلوب تجرد و تفرّد از ابنای زمان گوشه عبادت گرفت و توشه قناعت. خوش‌تر ازین گوشه پادشاه ندارد و دیگر گوهر آن صدف گران‌بهاء، بهاء‌الدین آقاست که مهر معرفت و دانش را نور و بهایی تام و دیده رویت را ضوء و ضیائی تمام است» (اشتهاردی، تذکره الدنابله: برگ ۹۳ و ۹۴ نسخه خطی).

این جملات نشان می‌دهد میرزا عبدالرزاق بیگ دنبلی دو پسر داشته است؛ یکی محمد یعنی صاحب تفسیر فارسی قرآن کریم و آثار دیگری که در همین نوشتار خواهد آمد و پسر دیگر بهاء‌الدین که صاحب حکومت اصفهان بوده است و در ایام جوانی، در سال ۱۲۵۹ هجری، بر اثر بیماری از دنیا رفته است؛ در این باره منشی اشتهاردی گفته است: «پس از آنکه به عزم تقبیل سده سنیه و عتبه علیه همگان از اصفهان به دارالخلافه رجعت نمود و از ظهور خدمات مورد رحمت بی‌پایان شاهنشاه عالمیان‌پناه اید الله ملکه آمده ناگاه مزاج با استقامتش یک‌باره معلول شد و پای توانایی‌اش در قید امراض و ناتوانی مغلول... در شب جمعه یازدهم شهر ذی‌قعدة الحرام یک‌هزار و دویست و پنجاه و نه هجری اسباب ارتحال آماده شد... و جریده پابندگی‌اش از نقوش و خطوط زندگی‌اش ساده گشت» (همان: برگ ۹۵ و ۹۶).

نام دو پسر میرزا عبدالرزاق دنبلی، بهاء‌الدین و محمد، آشکارا در این آثار بیان شده است؛ اما در برخی از منابعی که نام محمد بن عبدالرزاق بیگ و آثارش را بیان کرده‌اند، نام‌های دو برادر را در هم آمیخته‌اند و نام صاحب تفسیر قرآن کریم را بهاء‌الدین محمد بن عبدالرزاق نوشته‌اند؛ یعنی نام یکی را به صورت لقب دیگری به کار برده‌اند؛ علت این آمیختگی اسم‌ها معلوم نیست. صاحب تذکره الدنابله مدتی در خدمت بهاء‌الدین، برادر مؤلف تفسیر قرآن کریم، به سر برده است و ممدوح وی، پدر و فرزندانش بوده‌اند؛ وی به اینکه بهاء‌الدین تألیفات علمی داشته است یا نه اشاره‌ای نمی‌کند؛ بنابراین اگر بهاء‌الدین کتابی یا تألیفی یا اثر علمی و یا حتی دیوان شعری داشت، به‌یقین از آنها نام می‌برد و در مفاخرات او از آنها یاد می‌کرد؛ اما در منابع متأخر، صاحب تفسیر قرآن کریم را بهاء‌الدین محمد نوشته‌اند، می‌توان گفت به گمان بسیار، این یک تحریف تاریخی است و البته شاید محمد بعدها به بهاء‌الدین نیز ملقب شده باشد.

از نوشته‌های منشی اشتهااردی به دست می‌آید که محمدآقا پسر میرزا عبدالرزاق بیگ از آغاز گوشه‌نشینی اختیار کرد و به جانب شغل‌های دولتی نرفت؛ چنان‌که نویسنده حتی نامی از فرزندان او نیز نبرده است؛ برخلاف برادرش بهاء‌الدین که صاحب حکومت بود و سه فرزند پسر به نام‌های علی‌آقا و حسینقلی‌آقا و مرتضی‌قلی‌آقا از او یاد شده است: «سه گوهر والانزاد که سه پسر نیکونهاد است از ایشان در عرصه وجود موجوداند. بزرگ‌ترین که آن مسمی به علی‌آقا در کنف باعز و شرف تربیت اشرف میمون است و مورد مرحمت روزافزون. اوسط حسینقلی‌آقا و سیم مرتضی‌قلی‌آقا که در صغر سن است» (همان: برگ ۹۵).

از محققان و تذکره‌نویسان متأخر، محمدعلی تربیت مؤلف کتاب *دانشمندان آذربایجان*، نام دو برادر را به هم آمیخته است و از او به‌گونه‌ای یاد می‌کند که مفسر قرآن و صاحب آثار و تألیفاتی است؛ هم‌چنین او را از گروه علما می‌داند: «بهاء‌الدین محمد بن عبدالرزاق دنبلی از فضلا و علمای قرن سیزدهم هجری است. ادیب و سخنور و سخن‌شناس بوده تفسیری به زبان عربی بر قرآن مجید نوشته است. یک جلد از مجلدات آن را که از سوره مائده تا آخر سوره توبه می‌باشد در کتابخانه ثقة‌الاسلام تبریزی دیدم و شرحی هم منقول از امالی و اقوال پدرش در توضیح مشکلات اشعار انوری تألیف کرده است؛ نسخه‌ای از آن نزد نگارنده موجود است» (تربیت، ۱۳۵۳: ۷۲).

حاج حسین نخجوانی نیز در مقاله‌ای در شرح احوال میرزا عبدالرزاق بیگ دنبلی نوشته است: «مرحوم بهاء‌الدین محمد نیز از اجله علما و فضیله تبرز محسوب و ادیب سخنور و سخن‌شناس بود. یک تفسیر دیگری به زبان عربی نوشته که از مجلدات آن نیز نسخه‌ای در کتابخانه آقای ثقة‌الاسلام تبریزی موجود است» (نخجوانی، ۱۳۹۱: ۲۷۹). طبیعی است که منظور تربیت و نخجوانی از این شخص عالم و فاضل و ادیب و سخنور، محمد بن عبدالرزاق است نه برادرش بهاء‌الدین؛ زیرا در صورت اشاره به بهاء‌الدین می‌بایست به حکومت او بر اصفهان و تبریز نیز اشاره‌ای می‌کردند.^۲

باتوجه به آنچه گفته شد، می‌توان دریافت که میرزا عبدالرزاق بیگ دنبلی، ادیب و مورخ معروف، دو پسر به نام‌های بهاء‌الدین و محمد داشته است. بهاء‌الدین سرگرم کارهای سیاسی و حکومتی بود و در سال ۱۲۵۹ هجری به علت بیماری ناگهانی درگذشته است. محمد از مشاغل دولتی و موروثی این خاندان پرهیز می‌کرد؛ او کنج عزلت اختیار کرد و به کسب علم پرداخت؛ هم‌چنین در علوم معمول به‌ویژه علوم دینی و عرفانی و ادبی معلوماتی کسب کرد و به تدوین و تألیف آثاری در تفسیر قرآن و ادبیات و عرفان روی آورد. آثاری از او به خط خودش موجود است که در آنها آشکارا خود را محمد بن عبدالرزاق بن نجفقلی دنبلی تبریزی معرفی کرده است. در برخی از آثار خود مانند *شرح‌المشاعر و تفسیر فارسی قرآن کریم* اشعاری وجود دارد که به نظر می‌آید از خود اوست و نشان می‌دهد که در شعر و شاعری نیز دستی داشته است. توجه نداشتن به این عالم ادیب و مفسر که در خاندانی اهل علم و سیاست و حکومت پرورش یافته، سبب شده است تا نام او با نام برادرش در هم آمیزد و نام برادرش، لقبی برای او در برخی از منابع و تذکره‌ها شود. این موضوع، پژوهشگر امروزی را در شناخت آنها از یکدیگر با مشکل روبرو می‌کند. البته همان‌گونه که گفته شد این گمان نیز وجود دارد که بعدها به او لقب بهاء‌الدین نیز داده باشند؛ اما این، تنها در حد یک گمان است. تاکنون غیر از آثار علمی وی که نسخه‌هایی از آنها در کتابخانه‌های کشور موجود است و هم‌چنین شواهد موجود در این مقاله، چیزی از زندگی و شرح احوال و سال تولد یا وفات و فرزندان وی به دست نیامده است.

۳- آثار و تألیفات محمد بن عبدالرزاق دنبلی

تألیفات محمد بن عبدالرزاق و منسوبات به او در مجموع شش اثر به شرح زیر است:

الف: آثار قطعی محمد بن عبدالرزاق دنبلی

- ۱) شرح دیوان انوری: نسخه‌ای نامرغوب از این کتاب در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود که در جلد بیست و پنج صفحه ۳۷۹ فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس معرفی شده است.
- ۲) شرح‌المشاعر: این کتاب شرح رساله‌ای به نام مشاعر از تألیفات صدرالدین شیرازی، ملاصدرا، است. برخی محققان، این کتاب را از آثار عبدالرزاق بیگ دنبلی، پدر مؤلف، دانسته‌اند^۳ که باتوجه به بیان آشکار در آغاز و انجام نسخه کتابخانه مجلس، این نظر پذیرفتنی نیست. نسخه به خط نسخ در قطع وزیری است و ۲۰۸ برگ دارد که به شماره ۱۸۶۹ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود. کتاب به زبان عربی و کاتب آن، مؤلف است.
- ۳) تفسیر قرآن به زبان عربی: محمد بن عبدالرزاق تفسیری نیز به زبان عربی در چند جلد تألیف کرده است که نسخه‌هایی از آن در کتابخانه‌های کشور موجود است. برپایه یکی از نسخه‌های آن که در کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی نگهداری می‌شود، این تفسیر از نوع مزجی است؛ «دارای بسیاری از مباحث فلسفی و عرفانی با استشهاد به روایات اهل بیت علیهم‌السلام و هم‌چنین خطبه‌هایی انشاء نموده مسجّع و مقفّی به عنوان مقاله در پند و اندرز و مؤلف اول دنباله تفسیر پدرش را که پس از درگذشتش ناتمام مانده بود نوشت؛^۴ ولی چون دید با روش وی سازگار نیست، بر آن شد که تفسیری کامل از اول قرآن بنویسد. نسخه حاضر مشتمل بر مقدماتی است... و هم‌چنین تفسیر سوره فاتحه‌الکتاب و بقره» (مرعشی، ۱۳۷۳: ۳۲۶).
- ۴) تفسیر قرآن کریم به زبان فارسی: اثر مهم محمد بن عبدالرزاق دنبلی، تفسیر قرآن کریم به زبان فارسی است. این تفسیر باتوجه به به مقدار کار و فارسی‌بودنش در میان تفاسیر شیعی قرن سیزده هجری جایگاه مهمی دارد. یگانه نسخه خطی آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۲۱۲۶ نگهداری می‌شود. این اثر در جلد ۳۵، صفحه ۱۲۹ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس معرفی شده است. تاریخ کتابت آن ۱۲۵۹ هجری و کاتب همان مؤلف است؛ زیرا در پایان کتاب چنین آمده است: «تمام شد این جلد شریف و مجموعه لطیف به سعی مرتّب اوراق، محمد بن عبدالرزاق الدنبلی التبریزی ابن النجفلی فی یوم الخمیس اثنی و عشرين من شهر ذی القعدة الحرام... اللهم اقبل توبتی و اجب طلبتی... و انا العبد الذلیل الفقیر الحقیر الجانی الفانی المحتاج الی رحمت الله تعالی... فی کل آن من اوان الدنيا و الاخره» (دنبلی تبریزی، نسخه خطی تفسیر قرآن کریم: ۸۶۰). کتاب در اینجا به پایان می‌رسد و در سراسر اثر نامی از شخص دیگری در جایگاه کاتب بیان نمی‌شود. نسخه به خط نستعلیق تحریری و کامل و بدون پارگی یا خدشه در سطور و اوراق است. عبارتهای عربی و آیات قرآنی به خط نسخ است. در صفحاتی که آیات و عبارات عربی وجود ندارد، تعداد سطرها در صفحات ۲۷ سطر است و با بیان آیات در صفحات، تعداد سطور به نسبت تعداد سطور آیات کم و زیاد می‌شود. عنوان‌های سوره‌ها و نام مؤلف که چندبار در کتاب تکرار شده با جوهر سرخ‌رنگ نوشته شده است. مجموع صفحات کتاب هشتصد و شصت صفحه است که کمابیش در آن یک‌سوم کل قرآن کریم تفسیر می‌شود. تفسیر از ابتدای سوره یونس آغاز می‌گردد و تا انتهای سوره ملائکه (فاطر) به پایان می‌رسد. همچنان‌که در معرفی محمد بن عبدالرزاق بیان شد، مفسر، نام و نسب خود را در این کتاب آشکارا آورده است. افزون‌بر آغاز و پایان نسخه که پیشتر نقل شد، در چند جای دیگر کتاب نیز این بیان آشکار نام و نسب، تکرار می‌شود: «فیقول العبد الفقیر الحقیر الجانی

الفانی المشتاق الی رحمته ربه محمد بن عبدالرزاق الدنبلی عفی الله عنه و عن آبائه فی تفسیر آیه الشریفه الله نور السموات و الارض...» (همان: ۴۵۶)؛ «فیقول اقل الخلائق جرماً و اکثرهم خطاءً و جرماً محمد بن عبدالرزاق الدنبلی فی تفسیر قوله...» (همان: ۴۹۶)؛ «فیقول الفقیر الحقیق الجانی الفانی محمد بن عبدالرزاق فی الإعلام كما ذهب الیه بعض الأعلام ایضاً...» (همان: ۷۹۲).

مؤلف در سبب تألیف کتاب می‌گوید که سایر تفاسیر فارسی قرآن خوب نوشته شده‌اند؛ اما نثر کهنه‌ای دارند؛ بنابراین نویسنده بر آن شده است تا با تألیف این کتاب، خوانندگان این آثار را از مراجعه به سایر منابع بی‌نیاز کند: «و بعد مرتب اوراق... خواست معانی کلام ربّانی و مبانی آیات سبحانی را در طبق هر سوره به الفاظ خوش و عبارات دلکش بی‌اطناب در جلابیب ایجاز مبین نماید که مطالعه‌کنندگان را از سایر کتب تفسیر استغنا و استحضار دست دهد و سایر تفاسیر فارسی اگرچه خوب نوشته شده و لیکن چون به طور قدیم اجرای الفاظ نموده‌اند، این قلیل المؤمنه به طرز جدید هر جا مناسب مقام در مدح ائمه نام و تعریف حور و قصور و شراب ظهور از قصیده و غزل که منتظم از شعرای عرب و عجم گشته اجرای کلام نمود و احادیث غریبه و قصص عجیبه در خصوص ایشان علیهم الصلوٰه الرحمن نوشت که مرغوب ارباب دانش گردد...» (همان: ۱).

البته در این تفسیر چنان‌که مؤلف وعده داده است، خبری از اشعار شاعران عرب و عجم در مدح ائمه^(ع) و تعریف حور و قصور و شراب ظهور از قصیده و غزل نیست؛ شاید در مجلّد یا مجلّدات بعدی آمده باشد که معلوم نیست به ادامه کار تفسیر توفیق یافته است یا خیر. در ادامه می‌گوید که پدرش میرزا عبدالرزاق بیگ، تفسیری از فاتحه‌الکتاب تا پایان سوره بقره نوشته بود؛ اما این تفسیر با مرگش به انجام نرسید؛ بنابراین سبب دیگر این تألیف را به پایان رساندن کار پدر بیان می‌کند: «و چون ابوی طاب الله ثراه تفسیری از فاتحه‌الکتاب تا آخر سوره بقره نوشته بودند به رحمت ایزدی پیوسته ناقص ماند و این حقیر خواست به اتمام رساند؛ فلذا چند جزوی از قرآن نوشته باقی ماند؛ اگر ان شاء الله تعالی در اجل تأخیری باشد به یاری حضرت باری و توسل به باطن ائمه و هادیان طریقه علیهم السلام آن هم نوشته خواهد شد» (همان). کتاب در روز پنجشنبه بیست و دوم ذی القعدة ۱۲۵۹ هجری تألیف شده است: «تمام شد این جلد شریف و مجموعه لطیف به سعی مرتب اوراق محمد بن عبدالرزاق الدنبلی التبریزی ابن نجفقلی فی یوم الخمیس اثنی و عشرين من شهر ذی القعدة الحرام من شهر سنه ۱۲۵۹ من الهجرة النبویه...» (همان: ۸۵۹).

گفتنی است که مؤلف نامی بر این تفسیر ننهاده است و در همه کتاب، نشانی از نامگذاری دیده نمی‌شود. نام این کتاب در *دائرةالمعارف تشیع* و منابع معرفی‌کننده تفاسیر قرآن، به ویژه تفاسیر شیعی، نیامده است. برای مثال عبدالحسین شهیدی صالحی در کتاب *تفسیر و تفاسیر شیعه* چهل و سه تفسیر از تفاسیر قرن سیزدهم هجری معرفی می‌کند که بیشتر آنها به زبان عربی است؛ گاه این تفاسیر، تنها تفسیر یک یا چند آیه قرآن کریم است؛ اما نام محمد بن عبدالرزاق و تفاسیر او برده نشده است. این تفسیر با وجود فارسی‌بودن زبان و حجم درخور توجه آن، از چشم محققان تفاسیر قرآن کریم دور مانده و تاکنون شناخته نشده است. از منابع دیگر کتاب‌شناسی تفاسیر قرآن، کتاب *طبقات مفسران شیعه* است. مؤلف آن در مقدمه بخش تفاسیر قرن سیزدهم هجری می‌گوید: «قرن سیزدهم از نظر تعداد و شمارش تفاسیر و نه از نظر موقعیت اجتماعی و سیاسی، بلکه از نظر واقعیت و محتوی، یکی از قرون ناموفق و نامیمون از نظر تفسیر و فعالیت‌های علوم قرآنی و معارف سمائی در جهان تشیع به شمار می‌رود» (عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۶: ۱۲). در بررسی وی نزدیک به دویست تفسیر از تفسیر آیه تا تفسیر کامل قرآن کریم معرفی می‌شود که بیشتر آنها به زبان عربی است. در این کتاب نیز

به تفسیر فارسی قرآن کریم محمد بن عبدالرزاق اشاره ای نشده است. با این همه به طور فشرده به برخی از جنبه‌های اهمیت این تفسیر می‌توان اشاره کرد:

الف) باتوجه به فترت علوم قرآنی و تفاسیر، به‌ویژه تفاسیر فارسی شیعی در قرن سیزدهم، وجود این اثر با حجم تفسیر ده جزء از قرآن کریم اهمیت دارد که تاکنون نیز ناشناخته مانده است.

ب) اهمیت دیگر این تفسیر کمک به شناخت جنبه‌های مختلف زبان و ادبیات فارسی در حوزه متون تفسیری و هم‌چنین کمک برای کامل کردن شناخت سیر تحول و دگرگونی تفاسیر فارسی قرآن کریم به‌ویژه در حوزه تفاسیر مکتب تشیع است.

ج) مؤلف تفسیر، فرزند یکی از بزرگ‌ترین علما و ادبای قرن‌های دوازدهم و سیزدهم، یعنی میرزا عبدالرزاق بیگ دنبلی است. او فردی عالم و ادیب است که علم و دانش در خاندان آنها موروثی بود و خود، آثار متعدد علمی دارد.

د) نسخه کامل و بدون نقصی از این تفسیر به خط مؤلف موجود است که تصحیح این نسخه می‌تواند سرآغاز پژوهش‌های دیگری نیز باشد.

ب: آثار منسوب به محمد بن عبدالرزاق دنبلی

۱) دیوان شعر: غیر از ابیات اندکی که در آثار وی مانند شرح‌المشاعر و تفسیر قرآن کریم آمده است و گمان می‌رود از خود اوست، دیوان یا مجموعه شعر مستقلی از او به دست نیامده است. شیخ آقابزرگ در الذریعه در معرفی کتاب ریاض‌الجنه تألیف عبدالرزاق بیگ دنبلی می‌گوید: فرزند عبدالرزاق بیگ به نام بهاء‌الدین محمدآقا که حاکم تبریز بوده دیوان شعری دارد و او راست فرزندان از جمله حسینقلی آقا معاصر ریاضی طیب^۵. از این دیوان که صاحب الذریعه به محمد بن عبدالرزاق نسبت می‌دهد تاکنون اثری به دست نیامده است.

۲) تاریخ دنباله: در مجموعه اهدایی حسین نخجوانی در کتابخانه مرکزی تبریز نسخه خطی‌ای وجود دارد که به نام بهاء‌الدین محمد بن عبدالرزاق دنبلی ثبت شده است. در یکی از صفحات این نسخه آمده است: «همین کتاب تاریخ دنبلی را... خان (کذا) پسر عبدالرزاق بیگ متخلص به مفتون بن نجفقلی خان بیگلر بیگی تألیف نموده و تاریخ تألیف آن در سنه ۱۲۶۵ هجری بوده» (دنبلی تبریزی، نسخه خطی تاریخ دنباله: برگ ۶ الف). در حاشیه همین صفحه به خطی که به نظر می‌رسد خط دیگری است، چنین آمده است: «محتمل است این کتاب تألیف بهاء‌الدین محمد بن عبدالرزاق باشد».

با بررسی نسخه خطی تاریخ دنباله می‌توان دریافت که محمد بن عبدالرزاق بیگ دنبلی نمی‌تواند مؤلف آن باشد؛ از دلایل این سخن یکی آن است که در جایی از این کتاب، نامی از عبدالرزاق بیگ دنبلی رفته است و می‌گوید: «از آقای مرقوم آقا عبدالرزاق استماع شد که می‌فرمود...»؛ آشکار است اگر مؤلف این عبارات، محمد بن عبدالرزاق بود، از عبدالرزاق با عباراتی مانند پدرم یا والد و... یاد می‌کرد؛ چنان‌که در مقدمه تفسیر فارسی قرآن کریم آنجایی که به نام پدرش عبدالرزاق بیگ اشاره می‌کند این گونه می‌گوید: «چون ابوی - طاب ثراه - تفسیری از فاتحه‌الکتاب تا آخر سوره بقره نوشته بودند به رحمت ایزدی پیوستند...» (دنبلی تبریزی، نسخه خطی تفسیر قرآن کریم: ۱) و یا آنجا که شعری از او نقل می‌کند، چنین می‌گوید: «قال الوالد الماجد علیه الرحمه الله الفرد الواحد...» (همان: ۳). طبیعی است که این لحن نقل قول نشان می‌دهد که مؤلف از خانواده عبدالرزاق بیگ و فرزندان او نیست.

۴- ساختار کلی تفسیر فارسی قرآن کریم

مؤلف با یک مقدمه کوتاه در سبب تألیف کتاب و ذکر اشعاری فارسی و عربی در ناپایداری دنیا و ارزش سخن و هنر،

کار تفسیر خود را از ابتدای سوره یونس آغاز می‌کند. از همین مقدمه کوتاه شیعی بودن مؤلف آشکار است و در جای‌جای کتاب هم اعتقاد او روشن است و نیازمند جستجو نیست: «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و الصلوٰه و السلام علی خیر خلقه محمد و آله الطاهرین خصوصاً وصیّه و ولیّه لیث الوغی بدر الدجی علی الکراّر غیر الفرار و لعنه الله علی اعدایهم و ظلمیهم و قاتلیهم اجمعین الی یوم الدین» (همان: ۱). پس از این مقدمات به ترتیب سوره‌های مبارکه یونس، هود، یوسف، الرعد، ابراهیم، الحجر، النحل، الاسراء، الکهف، مریم، طه، الانبیاء، الحج، المؤمنون، النور، الفرقان، الشعراء، النمل، القصص، العنکبوت، الروم، لقمان، السجده، الاحزاب، سبأ، فاطر (ملائکه)، به صورت کامل و به ترتیب در یک جلد بزرگ شرح شده است.

۵- شیوه تفسیر کتاب

این تفسیر به شیوه روایی یا مأثور است. این شیوه تفسیری، «تفسیر و تبیین آیات الهی است براساس سنت پیامبر (ص) و امامان علیهم السلام در مکتب اهل بیت و تفسیر صحابه از آیات در مکتب اهل سنت» (مهدوی راد، ۱۳۸۲: ۱۲۶). در این تفسیر نیز از تفاسیر علمای شیعه و از تفاسیر اهل سنت استفاده شده است. مفسر در تفسیر آیات هم از روایان شیعه و هم از برخی روایان اهل سنت - که از امامان معصوم و صحابه روایت کرده‌اند - و هم از اسرائیلیات^۶ بهره برده است. در تفسیر کامل قرآن، احادیث روایت شده از پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم علیهم السلام کافی نیست؛ به همین سبب مفسران شیعه در تفسیر قرآن کریم به برخی روایات اهل سنت استناد می‌کنند؛ البته به سخن آنان اعتماد دارند؛ هم‌چنین گاهی برخی منابع اسرائیلیات که از صحابه و برخی ائمه علیهم السلام روایت شده است نیز در تفسیر آنان استفاده می‌شود. «در صورتی که آنچه نام روایت نبوی می‌شود بر آن گذاشت، از طریق اهل سنت به ۲۵۰ حدیث نمی‌رسد؛ گذشته از اینکه بسیاری از آنها ضعیف و برخی از آنها منکر می‌باشد و اگر روایات اهل بیت را که از طریق شیعه رسیده در نظر آوریم درست است که به هزارها می‌رسد و در میان آنها مقدار درخور توجهی احادیث قابل اعتماد یافت می‌شود، ولی به هر حال در برابر سؤالات نامحدود کفایت نمی‌کند» (طباطبایی، ۱۳۵۳: ۸۹)؛ بنابراین، این روش تفسیر قرآن کریم یکی از رایج‌ترین و کهن‌ترین شیوه‌های تفسیر است که پیوسته در طول تاریخ تفسیر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است و مفسران به آن توجه داشته‌اند. گاهی در این شیوه تفسیر گرایش‌های خاص و گاه افراطی پیدا شد؛ اما گرایش‌های معتدل در آن نیز وجود داشته است. محمد بن عبدالرزاق در این تفسیر بر آن شده است که همه مباحث خود را به روایات ائمه علیهم السلام ارتباط دهد؛ به جز این، از برخی صحابه و تابعان مانند ابن عباس، قتاده، مجاهد، ابوسعید انصاری، ابی بن کعب، وهب بن منبه و... نیز حدیث نقل کرده است. نویسنده از میان تفاسیر قرآن به تفاسیری مانند تفسیر عیاشی، تفسیر شیخ طوسی، تفسیر زاهد، تفسیر ابوالفتح رازی، تفسیر سدی، کشف الاسرار میبیدی، کشاف، تیسیر، مدارک، مجمع، تبیان، زادالمسیر و... اشاره می‌کند و از آنها در تفسیر خود سود می‌برد.

روش مفسر این گونه است که ابتدا یک یا چند آیه را می‌آورد؛ سپس به شیوه آسان و روان آیات را ترجمه می‌کند. در ترجمه و تفسیر آیات، ترتیب خاصی نیست؛ به این معنی که گاهی پس از ذکر چند آیه، یکی را ترجمه و سپس تفسیر می‌کند و بعد به ترجمه و تفسیر آیه بعدی می‌پردازد. گاهی هم پس از ذکر چند آیه، کل آیات را یکجا ترجمه و سپس تفسیر می‌کند. بنابراین گاهی ترجمه و تفسیر را به هم می‌ریزد؛ اما گاهی هم ترتیب ترجمه و تفسیر را حفظ می‌کند. نثر کتاب در ترجمه و تفسیر متفاوت است؛ زیرا در ترجمه آیات، نحو جملات از زبان عربی تأثیر پذیرفته است.

در آغاز هر سوره پس از بیان تعداد آیات آن، چند جمله به زبان عربی و سپس فارسی در ویژگی‌ها و بیان خواص درمانی سوره‌ها از طب‌الائمه بیان می‌کند. در سیر تفسیر با استفاده از روایات به شأن نزول آیات می‌پردازد. هم‌چنین هر جا که لازم باشد به اختلاف قرائات و ناسخ و منسوخات آیات اشاره می‌کند؛ برای مثال: «و ان کذبوک فقل لی عملی و لکم عملکم... پس بگو ایشان را مراست جزای کردار من و شما راست پاداش عمل شما. ذمت شما بری است از آنچه من می‌نمایم و شما را به عمل من نخواهند گرفت و من مأخوذ به عمل شما نخواهم شد و در نزد بعضی این آیه به آیهٔ سیف منسوخ است...» (دنبلی تبریزی، نسخه خطی تفسیر قرآن کریم: ۱۶) و یا «و یوم یحشرهم کان لم یلبثوا... و یاد کن روزی را که جمع می‌کنم و حفص به غیبت خوانده؛ یعنی یاد کن روزی را که خدای تعالی جمع می‌کند کافران را...» (همان). این تفسیر در بردارندهٔ بسیاری از داستان‌های پیغمبران است. مؤلف در بیان قصه‌های انبیا به شیوه‌ای انتقادی به روایات و سخنان متعدد استناد می‌کند و در یک موضوع، هر جا که لازم ببیند، از سخنان محققان و مفسران پیش از خود بهره می‌برد.

۶- ویژگی‌های نگارش (رسم الخط) کتاب

- ۱) حرف اضافه «به» به اسم بعد از خود متصل می‌شود:
- «بدرگاه تو آمده‌ایم و خود را بتو تسلیم کرده‌ایم و بصدق تمام و ارادهٔ مالاکلام بوحدانیت گرویده‌ایم» (همان: ۳۴).
- «و خدایی که بدین قادرست نیز ایشان را باکراه بایمان ندارد» (همان: ۳۶).
- ۲) کاربرد «نه» به جای «ن» در افعال منفی:
- «یعنی انتقام از ایشان در دنیا کشیم و تو آن را نه‌بینی» (همان: ۱۷).
- «پس ایشان نصیحت صالح را نه‌شنیده انگاشتند» (همان: ۵۳۸).
- ۳) ک و گ هر دو به صورت ک نوشته شده است:
- «و یاد کن چون گفت نوح گروه خود را که مشرک بودند ای گروه من اگر هست بزرگ و کران بشما اقامه من در میان شما» (همان: ۲۴).
- «و نیستیم من راننده آنها که کرویده‌اند به خدا و پیغمبر او» (همان: ۴۷).
- ۴) می استمراری گاهی جدا و گاهی متصل به فعل است:
- «و دیگر عرض می‌کرد پروردگار ما یونس از قول تو میفرمود هرکه به شما ستم کند ازو درگذرید» (همان: ۳۴).
- «و اگر خواستی خدا که به اجبار ایمان آورند هرآینه ایمان می‌آوردند» (همان: ۳۶).
- ۵) «ء» به جای «ی» و «ای» به کار رفته است:
- «بگو پس بیارید سورهء مانند قرآن» (همان: ۴۲).
- «ای زمین فروبر آب خود را که بیرون آوردهء» (همان: ۵۲).
- ۶) کاربرد «ه» به جای «ت» در کلمات عربی:
- «می‌داند قرارگاه حیوانات را از زمین در حال حیوة» (همان: ۳۹).
- «عذاب الهی واقع شده بر اهل کفر و عدوان بجهت آنکه ایمان نمی‌آرند» (همان: ۴).

- ۷) های جمع به کلمات متصل می‌شود:
- «مر او راست سبحانه از روی مالکیت آنچه در آسمانهاست» (همان: ۲۵).
- ۸) بر سر کلمات مختوم به «ه» نظیر خانه، وقتی «های جمع می‌آید دو «ه» با هم ادغام می‌شود:
- «و فراهم می‌گیرند سینهای خود را به کفر» (همان: ۳۹).
- «پس چشم نمی‌دارند این مشرکان مگر ایامی را یعنی واقعه‌ها را مانند واقعه‌های آنان که گذشتند پیش از ایشان» (همان: ۳۶).
- ۹) را مفعولی به کلمه قبل از خود متصل می‌شود:
- «بندگنرا بخرید و در راه خدا آزاد کنید» (همان: ۳۴).
- «فرموده‌ای که درمندان و بیچارگانرا دستگیری کنید» (همان).
- ۱۰) «الف» در «است» گاهی حذف و گاهی نوشته می‌شود:
- «سرّ و علن ایشان نسبت به علم حضرت یزدان یکسان است» (همان: ۳۹).
- «در کشاف گفته که مستقرّ، مسکن و مأوای حیواناتست» (همان: ۳۹).
- ۱۱) برخاست همه‌جا با واو معدوله نوشته شده است:
- «مردی برخواست که آیت تو کدام است» (همان: ۴۴).
- ۱۲) ای ندا به منادا متصل نوشته شده است:
- «بگو ای مردم بتحقیق آمد به شما حق از نزد پروردگار شما» (همان: ۳۷).
- «و اگر شما ایکافران برگردید از اسلام و یا از متابعت من...» (همان: ۳۹).

۷) ارزش و اهمیت تفسیر فارسی قرآن کریم

۱-۷ از دیدگاه ادبی و سبک‌شناسی

نثر فارسی در دوره‌های مختلف، تحولات بسیاری داشته‌است. «گاهی به اندازه‌ای آمیخته با عربی بوده است که نام فارسی بر آن نهادن جایز نیست و گاهی آن‌قدر مغلق و پیچیده است که فضلا هم از درک آن عاجز بوده‌اند تا چه رسد به عوام مردم و گاهی آنقدر نثر مسجع رواج می‌یابد که نثر فاقد سجع را خلاف فصاحت می‌دانستند» (خاتمی، ۱۳۷۴: ۲۹) و این تغییر و تحولات تا دوران قاجار (عصر محمد بن عبدالرزاق) همچنان ادامه یافته است. «در قرن دهم که آغاز روزگار و قدرت صفویان بوده است، نثر فارسی دورانی خاص را طی کرده است. تعصب شاهان صفویه در این عهد همچنان‌که در شعر فارسی مؤثر بود، در نثر فارسی نیز تأثیر گذاشت. همچنان‌که بیشترین آثار به‌جامانده از این دوران، کتاب‌های فقه و اصول و اخبار و احادیث و بعضی کتاب‌ها در شاخه‌های علوم عقلی است و طبیعی است که همین توجه به علوم خاص، زمینه را برای هنرنمایی دیگر نویسندگان و ادبا آن‌گونه‌که شایسته بود فراهم نیاورد» (همان: ۱۴).

«مهم‌ترین بخش از دانش‌های دینی که در این عهد سبب تألیف کتاب‌هایی به فارسی شده، مطلب‌های مربوط به قرآن است؛ خواه قرائت و خواه تفسیر و یا بیان اسرار آن...؛ اما بیشتر تفسیرهایی که به دست عالمان شیعی نوشته شده بعضی تفسیرهای صوفیانه است... تفسیرهای دیگر به‌جز مطلب‌های عادی و جاری جستارهایی را درباره احکام قرآن یا مشکلات قرآن و ماندگان آنها در بر دارند و بیشتر همراه با حدیث‌ها و خبرها درباره منقبت‌ها و فضیلت‌های اهل بیت

و ایراد برهان‌هایی در اثبات مذهب تشیع دوازده‌امامی یا ذکر دلیل‌هایی در ابطال مذهب مخالفان آن است» (صفا، ۱۳۸۳: ۱۴۶۳)؛ بنابراین نثر فارسی در سیر دگرگونی خود از عصر صفوی تا عهد قاجار، همراه با ادامه‌دادن پیچیده‌گویی و سجع‌پردازی، جریان ساده‌نویسی و پرهیز از تکلف و تصنع را در خود ایجاد کرد و در سایه کتاب‌هایی مانند جامع عباسی در فقه، مجالس‌المؤمنین قاضی نورالله شوشتری در رجال، آثار ملاصدرا، گوهر مراد و سرمایه ایمان از عبدالرزاق لاهیجی و کتاب‌هایی در تاریخ و جغرافیا مانند احسن‌التواریخ و عالم‌آرای عباسی و کتاب‌هایی در تفسیر قرآن، راه برای ساده‌شدن زبان فارسی در عصر قاجار باز شد؛ به گونه‌ای که «می‌بینیم در قرن دوازدهم و سیزدهم شیوه نویسنده‌گی و شاعری تغییر کرده و نثرهایی رفیع و سنجیده و عالی و شعرهایی پخته و خوش‌سبک از کار بیرون می‌آید که هرچند قدری ساده است، طبیعی‌تر و لطیف‌تر می‌نماید» (بهار، ۱۳۸۱: ۳۱۱).

تفسیر محمد بن عبدالرزاق از نتایج این جریان ساده‌نویسی است که بیشتر در سایه متون علمی و دینی از عصر صفویه آغاز شده بود. نثر این کتاب با توجه به مقام علمی آن از تضمین‌های متصنع، الفاظ دور از ذهن عربی و ترکی، سجع‌پردازی متکلفانه و پیرایه‌های خشک زبانی خالی است. سبک کتاب، ساده و روان و در ترجمه آیات تحت تأثیر نحو قرآن کریم، تاحدی آهنگین است؛ این آهنگ کلام گاهی در بیان داستان‌ها و قصه‌ها نیز مشاهده می‌شود. مثال برای ترجمه آیات:

- «و بگرفت آنان را که کافر بودند آواز جبرئیل که به آواز بلند ایشان را صدا کرد و گفت که بمیرید همه؛ پس گشتند در سراهای خود مردگان و به زمین افتادگان و به جای ماندگان» (دنبلی تبریزی، نسخه خطی تفسیر قرآن کریم: ۶۴).

- «و گفت با قوم خود سوار شوید کشتی را در حالتی که گوئید به نام خداست راندن کشتی و هنگام بازداشتن آن» (همان: ۵۰).

نویسنده همین که آیات را ترجمه می‌کند و به تفسیر می‌پردازد، نحو کلام، ساده و بی‌پیرایه می‌شود. این تغییر در مثال زیر آشکار است:

- «پس نخواهید افزود مرا جز نسبت زیانکاری دادن به من به ابطال و تضييع شما آنچه را که حق تعالی به من داده از نبوت و به خواندن شما به دین و ملت پدران خود. آورده‌اند که قوم ثمود بعد از جدال بسیار طلب معجزه کردند چنان‌که در سوره اعراف گذشت و به مدعای ایشان از سنگ، ناقه بیرون آمد. صالح بر ایشان حجت گرفت...» (همان: ۵۶).

نمونه برای آهنگ کلام در بیان داستان‌های انبیا:

- «یوسف و یعقوب می‌گریستند و دنیا (ایهام به نام خواهر یوسف) می‌نالید و درهای آسمان گشوده شد؛ حورالعین در خروش بود. حکم ازلی می‌گفت ای یعقوب از هجران یکشبه می‌نالی و رو به روی یوسف می‌مالی و لیک از فراق چهل‌ساله نه در فکر و خیالی...» (همان: ۷۸).

بدیهی است که بررسی و مطالعه این کتاب در جایگاه جزئی از نثر فارسی قرن سیزدهم در تحلیل‌های سبک‌شناسی این دوره بسیار مفید است. به بیان دیگر با کنکاش در ویژگی‌های ادبی و سبک‌شناسی آن، سیر دگرگونی و تغییرات نثر فارسی را از قرن سیزدهم به ادوار قبل و بعد از آن می‌توان پیوند داد؛ هم‌چنین نکات مشترک و متفاوت این اثر و آثار هم‌عصر آن را با آثار دوره‌های دیگر می‌توان سنجید. این تفسیر ناشناخته بوده است؛ تفسیرهای فارسی قرآن کریم در قرن سیزدهم هجری نیز بسیار اندک بود؛ بنابراین مطالعه این اثر می‌تواند به شناخت ابعاد زبان و ادبیات فارسی در حوزه

متون تفسیری فارسی و کامل کردن سیر تحولات تفاسیر فارسی قرآن کریم، به‌ویژه در حوزه تفاسیر شیعی، کمک کند.

۲-۷ از دیدگاه زبانی

محمد بن عبدالرزاق دنبلی برخلاف پدرش نویسنده ممتازی نیست و سبک زبانی تفسیر او، سطح چیره روزگارش است؛ یعنی همان ویژگی‌هایی که درباره تغییر سبک از متکلف و مصنوع به نثر ساده و مرسل در عصر قاجار وجود دارد، درباره سبک انشای او نیز درخور بیان است. از دوه صفویه به بعد متون دینی به‌ویژه شروح نوشته‌شده بر نهج البلاغه و قرآن و متون دیگر، هرچه ساده‌تر و نزدیک به شیوه زبان عامه تألیف می‌شدند. هدف نویسندگان آن بود که این متون برای توده مردم درخور فهم باشد و بتوانند راحت‌تر این متون را دریابند و به آنها علاقه‌مند گردند. به‌هرحال نمی‌توان گفت در آثار هر نویسنده‌ای همه ویژگی‌های سبکی و زبانی دوره او آشکار می‌شود؛ بلکه باتوجه به معلومات و گرایش‌های فکری و اعتقادی و هم‌چنین مقدار آفرینش‌های ادبی و استعداد ذاتی، انحرافات از هنجار و سبک دوره خود دارد؛ بنابراین تصحیح و زنده کردن هر نسخه خطی به‌ویژه در حوزه ترجمه و تفسیر از زبان دیگر مانند ترجمه‌های گوناگون قرآن کریم نمی‌تواند از فواید لغوی و زبانی بی‌بهره باشد. هر ترجمه یا تفسیری از قرآن کریم در هر دوره‌ای از ادوار نثر فارسی باتوجه به ویژگی‌های دستوری و ترکیب‌سازی و برابرگزینی کلمات و تعبیرات و موازین لهجه‌شناسی و زبان‌شناسی به‌اندازه خود در مطالعات زبانی اهمیت دارد و درخور توجه است. همان‌گونه که در معرفی نسخه خطی تفسیر فارسی دنبلی گذشت، هدف مؤلف از نوشتن این تفسیر ارائه تفسیری نزدیک به زبان عصر خود بود؛ چنان‌که خوانندگان تفاسیر قرآن کریم از مراجعه به منابع کهن بی‌نیاز شوند. این تفسیر، روایی است و هدف مؤلف آن فهم آسان قرآن کریم بوده است؛ به همین سبب مباحث لغوی و زبانی در آن کمتر مشاهده می‌شود؛ بنابراین باتوجه به نزدیکی زمانی این تألیف به عصر حاضر و رعایت ساده‌نویسی در آن، دنبال کردن موضوعاتی مانند فواید لغوی و ترکیب‌سازی و یا برابرگزینی فارسی برای کلمات و تعبیرات قرآن کریم در این اثر شاید دستاورد مهمی نداشته باشد؛ اما به‌هرحال زبان هر اثری دربرگیرنده ویژگی‌هایی است که هم اهمیت دارد و هم درخور مطالعه و پژوهش است. در ادامه به برخی از این نکات در این تفسیر اشاره می‌شود.

افعال نادر مانند «سوخته می‌برد» و «روداشته»:

- «و نور عظیم از آن زمین تا به آسمان تتق بسته و درخشان. نه سبزی درخت، آتش را می‌فسرد و نه تاب آتش سبزی درخت را سوخته می‌برد» (همان: ۲۹۶).

- «و ایوب را بیمار و زار و نزار و به خلاف سلف هرچه مال داشت تلف و پسران وی را هلاک من کرده‌ام که بی‌باکم؛ چه مرا گذاشته و خدای آسمان را روداشته...» (همان: ۳۵۲).

باک کردن به جای باک داشتن:

- «به امر خدا آتش، غل و زنجیر را پاک سوخته اصلاً متعرض ابراهیم نشده باک از آن مغاک نکرده در اطراف او گل و نسرين و سنبل دمید» (همان: ۳۴۳).

اصطلاحات عامیانه مانند «حالی شدن»:

- «یعنی کافران در عدم انتفاع آنچه می‌شنوند از انذار و تذکیر و وعظ و نصیحت، مانند کران‌اند که چیزی حالی ایشان نمی‌شود» (همان: ۳۳۷).

جوینده‌شده (جویده‌شده):

- «تفکر در ابتدای آفرینش خود کنید که از خاک است بعد از منی... بعد از آن پارچه خون بسته شده؛ بعد از آن پارچه گوشتی گویا جوانیده شده تمام خلقت که در او هیچ عیبی نباشد و ناتمام خلقت...» (همان: ۳۷۰).
- نویسانیده (نوشته)، گرفتگار (گرفتار)، بالابام (پشت بام):
- «گفتند که آن کلام افسانه‌های پیشینیان است که نویسانیده آن را محمد ص از کتب متقدمه» (همان: ۵۷۰).
- «پس اگر خدا آیات مقررده آنها را ظاهر کند و آنها تصدیق نکنند، به عذاب استیصال گرفتگار شوند» (همان: ۶۵۷).
- «مروی است که نمرود عنود از بالا بام قصرالاماره ابراهیم را ندا نمود» (همان: ۳۴۳).
- ترکیبات وصفی مرکب (از پی درآمده شده):
- «شما مسافت بسیار رفته باشید و به شما نتواند رسید تا ضرر رسانند به درستی که شما از پی درآمده شدگانید» (همان: ۵۲۳).

۳-۷ از دیدگاه فکری

مؤلف این تفسیر، شیعی مذهب است و در قسمت‌های مختلف کتاب، نشانه‌های آن آشکار است. او پیوسته از سخنان و احادیث ائمه هدی علیهم السلام در تبیین و تفسیر آیات استفاده می‌کند. از سوی دیگر همان‌گونه که جایگاه علمی او ایجاب می‌کند از منابع تفسیری و روایی اهل سنت بهره می‌برد؛ البته تا آنجا که با معتقدات او تضادی نداشته باشد. «بازتاب ایدئولوژیک در عناصر زبان در همه سطوح آن از نظام آوایی گرفته تا واژگان و ساخت‌های نحوی و عناصر بلاغی قابل بررسی است» (فتوحی، ۱۳۹۲: ۳۵۴) به همین سبب این تفسیر افزون‌بر بازتاب بنیان‌های اعتقادی و فکری مؤلف، در تعیین خط سیر فکری و محتوایی حاکم بر عصر او در حوزه تفسیر قرآن کریم نیز می‌تواند استفاده شود. «ایدئولوژی‌ها در متون به دو صورت صریح و ضمنی بازتاب می‌یابند. متن‌هایی که در آنها ایدئولوژی باصراحت و شفافیت بازتاب یافته از نوع متن‌های گفتمانی‌اند که به‌طور مستقیم نشانه‌ها و محتوای ایدئولوژیک را بیان می‌کنند. این متن‌ها متعلق به یک جامعه گفتمانی یا جامعه تفسیری خاص هستند؛ یعنی متعلق به گروهی از نویسندگان و خوانندگان که یک ژانر متنی خاص را می‌سازند و می‌خوانند» (همان: ۳۵۰). دوره تألیف تفسیر دنبلی مقارن با عصر قاجار در ایران است. در این دوره مذهب شیعه اثنی‌عشری در ایران حاکمیت کامل و باثباتی یافته است و از چند قرن پیش، یعنی از دوره غلبه صفویان تلاش‌های بسیاری برای افزونی تألیفات دینی در همه حوزه‌های آن صورت گرفت. علما و مفسران شیعی از قرن‌ها قبل از این، خدمات اساسی و انکارناپذیری به اسلام و قرآن ارائه دادند؛ اما از عصر صفوی به بعد تعداد این آثار بسیار افزایش یافت.

۴-۷ ویژگی‌های ادبی تفسیر قرآن کریم

جنبه علمی و آموزشی تفسیر فارسی قرآن کریم بر جنبه ادبی آن مقدم است؛ بنابراین نباید انتظار داشت که مؤلف به صنایع ادبی و آرایه‌های لفظی و معنوی کلام توجه بسیاری نشان داده باشد. چنان‌که از مقدمه کتاب برمی‌آید، هدف مؤلف از تألیف این تفسیر آن است که راغبان کلام وحی از تفسیرهای کهن با زبان‌های کهنه بی‌نیاز شوند. نویسنده می‌کوشد تا این تفسیر را به زبان ساده و روان و درخور استفاده برای همه بنگارد؛ اما گاهی نیز کلام خود را به آرایه‌پردازی لفظی و معنوی آراسته می‌کند؛ البته این موضوع هیچ‌گاه باعث نشده است که سادگی علمی زبان او تحت تأثیر قرار بگیرد و به حوزه تصنع و تکلف وارد شود. در ادامه به برخی از این صنایع اشاره می‌شود.

۷-۴-۱ جناس

جناس زائد:

- «و یا بدعت نکوهیده جور و بیداد و یا عادت پسندیده عدل و داد و یا شیوه دوستی و حسن و داد» (دنبلی تبریزی، نسخه خطی تفسیر قرآن کریم: ۲).

- «جام فنا نوشیدنی و عتبه عنا بوسیدنی و جامه کفن پوشیدنی است» (همان: ۲).

جناس لاحق:

- «و یا خزینه مال و یا ذخیره حسن مآل... همه فانیهست» (همان: ۱).

- «تا چشمی داری اشکی بیار و زبانی داری عذری بیار» (همان: ۲).

جناس خط:

- «روزی جام فنا نوشیدنی و عتبه عنا بوسیدنی و جامه کفن پوشیدنی و قالب خاکی پوشیدنی است» (همان: ۱).

۷-۴-۲ موازنه و ترصیع

- «خواست معانی کلام ربانی و مبانی آیات سبحانی را در طبق هر سوره به الفاظ خوش و عبارات دلکش...» (همان: ۱).

- «امید که اخوان صفا و خلان وفا هر کس رغبت مطالعه نمایند...» (همان).

- «منشأ آن خیالات موهومه فاسده و قیاسات باطله عاطله...» (همان: ۱۵).

۷-۴-۳ سجع (متوازی، متوازن، مطرف)

متوازی:

- «تا نامی داری خامه در بنان آر و عرض حالی در بیان» (همان: ۲).

- «اگر زینت حیات دنیا اقارب و اولاد است و یا ایوان زرنگار و پری چهرگان مشکین خال گلرخسار...» (همان: ۳).

متوازن:

- «تا چشمی داری اشکی بیار و تا زبانی داری عذری بیار» (همان: ۲).

- «اگر توانی بی توانی جز خطبه وحدت و آیت نفرت نخوانی» (همان).

مطرف:

- «جمعی از دولت تلاقی نازان و گروهی در آتش حرمان گدازان» (همان: ۶۶۷).

- «فرمود کسانی‌اند از کثرت بیداری و خوف حضرت باری چشمشان اشکریزان است و از مشاهده عبرت‌های

روزگار عرصه این جهان ناپایدار پیش چشمشان تیره و تار» (همان: ۲۵).

۷-۴-۴ ازدواج

- «هرجا مناسب مقام در مدح ائمه انام و تعریف حور و قصور و...» (همان: ۱).

۷-۴-۵ تنسیق الصفات

- «هرکس رغبت مطالعه نماید از خواندن فاتحه و سوره این حقیر فقیر جانی فانی را مضایقه نماید» (همان: ۲).

- «منشأ آن خیالات موهومه فاسده و قیاسات باطله عاطله کاسده می‌باشد» (همان: ۱۵).

۶-۴-۷ مراعات النظیر

- «تا چشمی داری اشکی ببار و زبانی داری عذری بیار و تا نامی داری خامه در بنان آر» (همان: ۳).

۷-۴-۷ اشتقاق

- «و خشنود شدند به زندگانی فانی و دنیای دنی» (همان: ۶).

۸-۴-۷ تلمیح

- «از این جهت پیغمبران که مبعوث شدند به صفت فقر متّصف بودند» (همان: ۴).

۵-۷ برخی از ویژگی و نکات دستوری تفسیر فارسی قرآن کریم

۱-۵-۷ جملات

الف) پرهیز از اطناب و جملات طولانی، یکی از ویژگی‌هایی است که در سراسر متن کتاب وجود دارد؛ به ویژه در بیان داستان‌ها و قصه‌ها، جملات کوتاه، بسیار به کار رفته است:

- «یوسف و یعقوب می‌گریستند و دنیا می‌نالید و درهای آسمان گشوده؛ حورالعین در خروش بود. حکم ازلی می‌گفت ای یعقوب از هجران یک‌شبه می‌نالی و رو به روی یوسف می‌مالی» (همان: ۷۸).

ب) تقدیم فعل:

- «گفتند نگریدگان بعد از آمدن پیغمبر به ایشان» (همان: ۴).

- «پرستند جز خدا چیزی را که ضرر نرساند به ترک عبادت او و سود ندارد پرستش او» (همان: ۹۹).

ج) آوردن یک یا چند کلمه بعد از فعل:

- «گویا هیچ نرسته و موجود نگشته و اثر آن نبوده در زمان پیش» (همان: ۱۱).

- «به‌درستی که این که آورده معجزه نام نهاده هرآینه سحر و جادوست آشکارا» (همان: ۲۹).

د) جمله معترضه:

- «چه شریک او سبحانه وجود ندارد و شفاعت شریک هم معقول نباشد» (همان: ۹).

- «از ابن عباس مرویست که میان آدم علی نبینا و علیه‌السلام و نوح ده قرن بود» (همان).

۲-۵-۷ افعال

الف) حذف چند فعل به قرینه:

- «تو از صراط به نور من گذری و علی به نور تو و امت تو به نور علی و نور امت تو از علی است و علی از تو و تو از من» (همان: ۷).

ب) حذف فعل به قرینه:

- «یعنی اگر ما دعای ایشان را به‌زودی مستجاب کنیم چنان‌که دعای خیر ایشان را ایشان زود هلاک شوند» (همان).

- «قحطی به فراخی و فراخی به آبادی بدل شد» (همان: ۱۰).

ج) تراکم افعال:

- «گویا که هیچ نرسته و موجود نگشته و اثر آن نبوده در زمان پیش» (همان: ۱۱).

(د) جابه‌جایی شناسه:

- «و می‌گویند بت‌پرستان که این بتان برمانند شفیعان نزد حضرت یزدان» (همان: ۹).
 - ه) ی به جای می استمراری و گاهی می و ی هردو با هم:
 - «بگو اگر خواستی خدا نمی‌خواندم او را به شما» (همان: ۸).
 - «یعنی عذاب نازل می‌شود مبطل، هلاک گشته و محق بماندی» (همان: ۹).
 - «هروقت پیغمبر این آیه را تلاوت نمودی گریستی» (همان: ۲۰).
- (و) ب تأکید بر سر فعل:

- «پرستند جز خدا کسی را که ضرر نرساند و بترک عبادت او سود ندارد پرستش او» (همان: ۹).
- (ز) جداکردن دو جزء فعل مرکب:
- «آیا چرا نمی‌یابید و تعقل درخصوص کسی نمی‌کنید» (همان: ۸).

۳-۵-۷ ضمائر

(الف) ضمیر اشاره این و آن برای تحقیر و تفخیم:

- «پس بین که چگونه بود انجام ستمکاران مکذب پس اینها نیز مثل آنها خواهند شد» (همان: ۱۵).
- «گفت ای فرزندان معذور دارید مرا که بوی پدر و جدم از این می‌شنوم و از این سبب از این کناره نمی‌کنم» (همان: ۷۳).

(ب) کاربرد او به جای آن:

- «و سبب او چنین بود که حضرت رسالت را عادت این بود چون به سفر رفتی قرعه کشیدی» (همان: ۴۳۰).

(ج) کاربرد آن به جای او:

- «شیطان نیز دیوان را به اموال آن عبد خالص خداوند جهان برگماشت تا فانی ساختند اموال آن را پس قصد بدی آن ممتحن نمودند و انواع امراض را به تن آن موکل ساختند» (همان: ۳۵۰).
- «بخوان ای محمد ص بر مشرکان عرب خبر ابراهیم را که ایشان خود را به آن نسبت می‌دهند و به فرزندی آن فخر می‌کنند» (همان: ۵۲۷).

۴-۵-۷ حروف

(الف) کاربرد مر... را:

- «و آنان که کافر شدند مر ایشان راست شرابی از آب جوشان و عذاب پردرد» (همان: ۵).
- «پس بگو در جواب ایشان که غیب مر خدا راست» (همان: ۹).

(ب) را در معنی حرف اضافه به:

- «و ثنای ایشان یکدیگر را و تحیت بدان که ایشان را سلام باشد که مشتمل است بر سلامتی از جمیع آفات» (همان: ۶).

- «روبیل را رو کرده گفت تو از همه مهتری» (همان: ۷۸).

۵-۵-۷ قید

هرآینه برای قطعی بودن:

- «به‌درستی که این مرد هرآینه ساحری است آشکارا» (همان: ۴).
 - «و گویند اگر ما را نجات دهی از این بلا هرآینه باشیم از پاسداران نعمت نجات را» (همان: ۱۵).
- ۷-۵ اسم**
- الف) کاربرد جمع مکسر عربی مخالف قیاس:
 - «مال دنیا نیز به انفاق جوانمردان پسندیده اقلان است و به امساک بخیلان نکوهیده از خصال ادوان» (همان: ۵۶).
 - ب) مطابقت صفت و موصوف برای مذکر و مؤنث بودن:
 - «پس از افعال ذمیمه ایشان خبر می‌دهد» (همان: ۹).
 - «و نظر کردن در ادله هادیه و توفیق ایشان در تدبیر حجج حقه» (همان: ۱۴).
 - ج) مطابقت صفت و موصوف برای جمع و مفرد بودن:
 - «و گمان بردند اهل زمین که ایشان قادرانند بر گردیدن گیاه و چیدن میوه» (همان: ۱۱).
 - «به‌درستی که ما بودیم از پرستش شما بی‌خبران» (همان: ۱۳).
 - د) کاربرد آیا و چرا هردو با هم:
 - «آیا چرا نمی‌یابید و تعقل درخصوص کسی نمی‌کنید» (همان: ۸).
 - ه) مصدر جعلی:
 - «هیچ شکی و شبهه‌ای در حقیقت آن نیست» (همان: ۱۵).
 - «یعنی اول علم به حقیقت آن نداشتند» (همان).
 - و) مفعول مطلق:
 - «گفت یوسف معاذبالله یعنی پناه می‌گیرم به خدا گرفتی» (همان: ۱۴).
 - «و بازکشیم و طول دهیم برای او از عذاب و عقاب بازکشیدنی» (همان: ۲۸۹).
 - ز) مفعول مطلق از غیر جنس فعل:
 - «یعنی مهلت دهد مر او را خدای بخشاینده؛ مهلت دادنی و این خبر است در صورت امر؛ یعنی ممتد سازد خدا عمر او را بازکشیدنی» (همان: ۲۸۸).
 - ح) کاربرد جمع‌الجمع عربی:
 - «آگاه باش تا از آن عجایب بینی و غرایب ملاحظه نمایی» (همان: ۲۹۷).
 - ط) جمع‌بستن کلماتی با «ان» که این صورت جمعشان شناخته‌شده نیست:
 - «و روغن فراوان به آن هیزمان ریختند و آتش به آن زدند» (همان: ۳۴۲).
 - «و اگر بودی... آن هفت دریای دیگر مانند بحر محیط و به این قلمان از درختان و به آن آبان مدادشده کتابت کردند به آخر نمی‌رسید» (همان: ۷۰۱).

۸ نتیجه‌گیری

محمد بن عبدالرزاق بیگ دُنَبَلی از علما و مفسران برجسته قرن سیزدهم هجری است که به گواه اسناد موجود، ادیب و سخنور نیز بوده است. وی فرزند میرزا عبدالرزاق بیگ دُنَبَلی از مهم‌ترین و بلیغ‌ترین سخنوران عصر قاجار است. از

محمد بن عبدالرزاق چند اثر علمی به جای مانده است. از میان این آثار، شرح دیوان انوری، شرح‌المشاعر، تفسیر قرآن به زبان عربی و تفسیر قرآن به زبان فارسی بی‌شک تألیف اوست و انتساب کتاب تاریخ‌دنباله به وی درست نیست. او شاعر بوده است و دیوانی نیز به او نسبت داده‌اند که اکنون اثری از آن در دست نیست. مهم‌ترین اثر او تفسیر قرآن به زبان فارسی است. این تفسیر بدون نام یا عنوان خاصی است. یک نسخه از آن به خط مؤلف موجود است. این اثر به زبان فارسی است؛ این ویژگی‌ها در میان تعداد اندک تفاسیر فارسی قرن سیزدهم، دوره فترت تفسیرنویسی، اهمیت فراوانی به آن داده است. زبان این اثر، علمی و ساده و روان و گاه آهنگین است. از نظر حجم کار نیز درخور توجه است؛ چنان‌که یک‌سوم کل قرآن کریم را در بر می‌گیرد. این تفسیر تاکنون ناشناخته مانده است و از دو دیدگاه زبان و ادبیات فارسی مبتنی بر متون تفسیری و نیز تحلیل و بررسی سیر دگرگونی تفسیرهای فارسی به‌ویژه در حوزه تفاسیر شیعی اهمیت دارد و درخور تأمل است.

پی‌نوشت‌ها

۱. دنبلی طایفه‌ای از قوم کرد است. از مهم‌ترین منابع مطالعه در تاریخ این طایفه به این آثار اشاره می‌شود: *تجربیه الاحرار و تسلیه الابرار* از عبدالرزاق بیگ دنبلی، ج اول، ص ۱۲۰ - ۴۰؛ *ریاض‌الجنه* از همان نویسنده که کتاب مستقلی در این باره است؛ *تذکره‌الدنباله* از محمدحسن بن عبدالکریم منشی اشتهاردی، نسخه خطی کتابخانه مجلس به شماره ۸۳۴۵؛ *شرفنامه بدلیسی* تألیف امیرشرفخان بدلیسی، ص ۴۰۸ - ۳۹۹؛ *تاریخ دنباله* از گسترده‌ترین منابع در این حوزه و منسوب به محمد بن عبدالرزاق دنبلی است. نسخه خطی یگانه آن از مؤلفی ناشناس در کتابخانه مرکزی تبریز موجود است.
۲. برخی دیگر از محققان جدید همان عبارات را تکرار کرده‌اند؛ مانند عقیقی بخشایشی در کتاب *مفاخر آذربایجان*.
۳. ر.ک. چهل مقاله حاج‌حسین نخجوانی، ص ۲۷۹ و *ریحانه‌الادب* ج ۵، ص ۵۵، ذیل عبدالرزاق بیگ دنبلی.
۴. به این ماجرا در تفسیر فارسی قرآن کریم نیز اشاره کرده است؛ چنان‌که در معرفی آن خواهد آمد.
۵. «وابنه بهاء‌الدین محمدآقا کان حاکم تبریز له دیوان شعر و عدّه اولاد منهم حسینقلی آقا معاصر الرياضی الطیب» (الذریعه، ۱۴۰۳، ج ۱۱: ۳۲۳).
۶. روایات و اخباری که از بنی‌اسرائیل در اخبار اسلامی آورده‌اند (دهخدا، ۱۳۸۸: ذیل اسرائیلیات).

منابع

- ۱- اشتهاردی، محمدحسن بن عبدالکریم، *تذکره‌الدنباله*، نسخه خطی کتابخانه مجلس به شماره ۸۳۴۵.
- ۲- بهار، ملک‌الشعراء (۱۳۸۱). *سبک‌شناسی*، تهران: زوار.
- ۳- تربیت، محمدعلی (۱۳۵۳). *دانشمندان آذربایجان*، تبریز: بنیاد کتابخانه فردوسی.
- ۴- خاتمی، احمد (۱۳۷۴). *پژوهشی در نظم و نثر دوره بازگشت*، تهران: پایا.
- ۵- دنبلی تبریزی، محمد بن عبدالرزاق، *تفسیر قرآن کریم*، نسخه خطی به شماره ۱۲۱۲۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۶- -----، *تاریخ دنباله*، نسخه خطی، کتابخانه مرکزی تبریز.
- ۷- -----، *شرح‌المشاعر*، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۸۶۹.
- ۸- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۸). *لغت‌نامه*، نرم‌افزار، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- ۹- شهیدی صالحی، عبدالحسین (۱۳۸۱). تفسیر و تفاسیر شیعه، قزوین: انتشارات حدیث امروز.
- ۱۰- شیرازی، ابن یوسف (۱۳۵۳). فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، جلد سوم، تهران: چاپخانه مجلس شورای ملی.
- ۱۱- صفا، ذبیح الله (۱۳۸۳). تاریخ ادبیات در ایران، تهران: توس.
- ۱۲- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۵۳). قرآن در اسلام، تهران: دارالکتب اسلامیه.
- ۱۳- الطهرانی، شیخ آقازرگ (۱۴۰۳). الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت: دارالضواء.
- ۱۴- عقیقی بخشایشی (۱۳۷۶). طبقات مفسران شیعه، قم: نشر نوید اسلام.
- ۱۵- ----- (۱۳۷۴). مفاخر آذربایجان، تبریز: نشر آذربایجان.
- ۱۶- فتوحی رودمعجنی، محمود (۱۳۹۰). سبک‌شناسی نظریه‌ها رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.
- ۱۷- مرعشی، محمود (۱۳۷۶). فهرست نسخه‌های خطی آیت‌الله مرعشی، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ۱۸- مهدوی راد، محمدعلی (۱۳۸۲). آفاق تفسیر مقالات و مقولاتی در تفسیر پژوهی، تهران: هستی‌نما.
- ۱۹- نخجوانی، حسین (۱۳۹۱). چهل مقاله، به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تبریز: آیدین.